

زوال بشری

اوسامو دازای
ترجمه قدرت الله ذاکری



انتشارات وال



انتشارات دال

تهران، کدپستی: ۱۷۱۵۶۶۴۶۹۳

تلفن دفتر انتشارات و مرکز بخش: ۰۲۱۳۳۳۱۵۰۳۸

www.whale-pub.com info@whale-pub.com

whalepub whalepub

عنوان اصلی

Dazai Osamu (太宰 治), Ningen Shikkaku (人間失格),

Chikuma Shobō (株式会社筑摩書房), 1948

زوال بشری

اوسامو دازای

ترجمه (از ژاپنی) قدرت الله ذاکری

ویراسته علیرضا جاوید

مجموعه بیات/بیرمیرعه: احمد جاوید

مدیر هنری: محمد باقر رحمانی طراحی کتاب: استودیو جاوید

ناشر انتشارات دال

چاپ اول، دوم: ۱۴۰۰، سوم: ۱۴۰۱، چهارم تا ششم: ۱۴۰۲،

هفتم تا سیزدهم: ۱۴۰۳

چهاردهم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۷۷۲-۸-۶

دازای، اوسامو، ۱۹۰۹-۱۹۴۸: ذاکری، قدرت الله، ۱۳۵۵ - مترجم

موضوع: داستان های ژاپنی، قرن ۲۰ م. مشخصات ظاهری: ۱۶۶ ص.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ الف ۴/۹۳۰/PL ۸۳۰/ رده بندی دیویی: ۸۹۵/۶۳۵

شماره کتاب شناسی ملی: ۷۰۰۵۴۲۱

© تمام حقوق این اثر برای انتشارات دال محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

یادداشت مترجم

مردمان خادای نفرت از داستان نویسی نگاهی به زندگی و آثار اوسامو دازای

شهرستان آئوموری^۱، واقع در شمالی ترین قسمت بزرگ ترین جزیره ژاپن یعنی هونشو^۲، به داشتن مردمانی صادق، ساده و پُرتلاش شهره است — مردمانی که کمتر می توانند به خواسته دیگران نه بگویند. مردمانی عمدتاً کشاورز و صیاد که بیش از مردم سایر مناطق این کشور، نماد روستایی و شهرستانی هستند؛ و همین است که بیشتر در تقابل و مقایسه با مردمان شهرهای بزرگ به خصوص توکیو قرار می گیرند، تقابلی که شالوده زوال بشری^۳، یکی از بهترین آثار اوسامو دازای را یکی از آثار سرآمد ادبیات مدرن ژاپن را شکل می دهد.

یوزو شخصیت اصلی داستان، چون خود دازای متولد توهوکو^۴

1. Aomori ken (青森県)

2. Honshū (本州)

3. *Ningen Shikkaku* (人間失格)

۴. Tōhoku (東北)؛ به معنی شمال شرقی.

است، ناحیه‌ای که از آئوموری و پنج شهرستان دیگر در همسایگی آن شکل گرفته است. او چون خود دازای برای ادامه تحصیل به توکیو می‌رود و با انسان‌های شهری پیچیده، زرنگ و البته بی‌خود روبه‌رو می‌شود و در مواجهه با آن‌ها چاره‌ای جز دلقک‌بازی، به تلخی خندیدن، اعتیاد و در نهایت مُردن ندارد، چراکه توانایی درک و کنارآمدن با شیوه زندگی شهرنشینان و آدم‌های زرنگ و جاافتاده جامعه را ندارد.

زوال بشری داستانی اعتراف‌گونه از زندگی خود دازای است، نرمنده‌ای که زندگی‌ای پُر آشوب داشت و پرداخت اعتراف‌گونه و صادقانه زندگی‌اش را در یک شاخصهٔ آثارش شد. نویسنده‌ای از مردمان ساده و صادق آئوموری که در برخورد با لایه‌های عمیق واقعیت جامعه شهری، قلمش تلخ می‌بود، آن قدر تلخ که در چهل سال زندگی کوتاه‌اش، شش بار به سوی مرگ خود را رسته کشانده می‌شود.

دازای متولد منطقه تسوگارو^۱ در آئوموری است، منطقه‌ای که آن قدر برف در آن می‌بارد که برف آن، نه یک نوع بلکه چندین نوع است. در قسمتی از انکایی^۲ محل دازای آن را در آغاز کتابش، تسوگارو، نقل کرده آمده است:

«برف تسوگارو؛ برف پودری، برف دانه‌ای، برف پنبه‌ای، برف آبکی، برف فشرده، برف بی‌شکل، برف یخی.»

نام اصلی‌اش شوجی تسوشیما^۳ بود. خان‌خان تسوشیما از خانواده‌های معروف آئوموری بود که با کشاورزی و خدمات مالی ثروت

1. Tsugaru (津軽)

۲. Enka (演歌)؛ نوعی ترانه ژاپنی که در دوره میجی و تایشو رواج پیدا کرد.

3. Tsushima Shūji (津島修治)

و شهرتی فراوانی به دست آورد. هنگامی که دازای سه ساله بود، پدرش با پیروزی در انتخابات به مجلس راه یافت که این زمان، زمان اوج اقتدار خاندان تسوشیما بود. هنگامی هم که دازای سیزده ساله شد، پدرش این بار به عضویت مجلس اشراف درآمد، اما اندک زمانی بعد از آن، چشم از جهان فرو بست.

دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در آئوموری گذراند. نخستین اثرش را در مجله ادبی مدرسه راهنمایی چاپ کرد. همین ایام با دبستانش، دست به انتشار چند مجله ادبی زد و ضمن نوشتن در آن‌ها، مرگ، طالع، آثار نویسندگان بزرگ ژاپن از جمله ریونوسوکه آکوتاگاوا شد. آکوتاگاوا در این دوره بُت ادبی جوانان ژاپنی و از جمله دازای بود. دو ماه بعد از آنکه دازای در جلسه سخنرانی آکوتاگاوا شرکت کرد، این نویسنده بزرگ خودکشی کرد. اگر مرگ آکوتاگاوا به شکل نمادین پایان ادبیات دوره تا شو به حساب می‌آمد، برای دازای جوان هم این مرگ واقعه‌ای بسیار تأثیرگذار شد.

اواسط ماه بعد از خودکشی آکوتاگاوا، دازای یادگیری هنر گیدایو، رفت و آمد به محله گیشاها، آئوموری را شروع کرد. در این رفت و آمدها، با گیشایی کارآموز به نام هاتسویو اوایاما آشنا شد. این زمان هم شروع

۱. Ryūnosuke Akutagawa (芥川竜之介) (۱۸۹۲-۱۹۲۷): از بزرگ‌ترین نویسندگان ژاپن و بزرگ‌ترین نویسنده دوره تا شو.

2. Taishō Jidai (大正時代) (1912-1926)

۳. Gidayū (義太夫): نوعی هنر نقالی که با نواختن ساز شامیسن اجرا می‌شود.

۴. Gēsha (芸者): خود لغت به معنی شخص دارای هنر است. عموماً به زن‌هایی اطلاق می‌شود که صاحب هنرهایی مثل نوازندگی، رقص، پذیرایی از میهمان و غیره هستند. گیشا بودن یک حرفه است و از این زنان برای سرگرم کردن میهمان‌ها دعوت می‌شود.

5. Oyama Hatsuyo (小山初代)

به خواندن آثار ادبی دورهٔ ادو از جمله آثار چیکاماتسو مونزاemon^۱ کرد. نمایش نامه نویس معروف دورهٔ ادو که در سیزده نمایش از بیست و چهار نمایش نامه ای که نوشت شخصیت های اصلی نمایش با خودکشی عاشقانه - جوشی یا شینجو^۲ - به زندگی خود پایان می دهند. جوشی نوعی خودکشی است که عاشق و معشوق با هم به زندگی شان خاتمه می دهند، به این امید که در جهان دیگر به وصالی ابدی برسند. سه بار از شش بار خودکشی دازای، از جمله مرتبهٔ آخرش، به روش جوشی بود.

سال ۱۹۲۸، انتشار مجلهٔ هنر یاخته ای^۳ به سردبیری دازای شروع شد. و از همین سال او نوشتن اعتراف گونه را دربارهٔ خانواده ای که در آن زاد و بوم شده بود، آغاز کرد. به اعتقاد بیشتر محققان، ادبیات واقعی دازای از این زمان شروع شد. اولین ماه ۱۹۲۹، برادر کوچک ترش در هفده سالگی فوت کرد. مرگ یکی دیگر از مردان خانوادهٔ تسوشیما در سن پایین، امری که یک دازای تعجب خود را از آن بیان کرده بود، چه اینکه پدرش، برادر بزرگ ترش - بیست و هفت سالگی، خودش چهل سالگی و پسرش هم دوازده سالگی - در سنین پایین فوت کردند. مرگ برادر کوچک تر و دغدغه ای که حاصل از آن، امتحانات دبیرستان و گرفتاری های ناشی از آشنایی با هاتسویو باعث شد تا در آخرین ماه این سال برای اولین بار اقدام به خودکشی بی فرجامی با خوردن قرص آرام بخش کند.

سال ۱۹۳۰، به هر حال از دبیرستان فارغ التحصیل و برای یادگیری زبان فرانسه به دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه توکیو وارد شد. فعالیت های

1. Chikamatsu Monzaemon (近松門左衛門) (1653-1724)

2. Shinjū (心中) Jōshi (情死)

3. Saibō Bungaku (細胞文芸)

جانبدارانه‌اش از حزب کمونیست هم از همین دوران شروع شد. همچنین به ملاقات ایبوسه ماسوجی^۱ رفت که قبلاً داستان "سمندر"^۲ او را خوانده و بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بود. ایبوسه آن سال‌ها نویسنده‌ای شناخته‌شده بود و از آن به بعد برای دازای نقش دوست و راهنما را، چه در عرصه ادبیات و چه در عرصه زندگی، به عهده گرفت. با این همه، نیمه دوم این سال حوادثی ناخوشایند برایش در پی داشت. در ماه ژوئن برادر بزرگ‌ترش در بیست و هفت سالگی درگذشت. پاییز آخری مبنی بر پیدا شدن حامی برای هاتسویو و خارج شدن او از حرفه گیشایی به گردش رسید که باعث شد دازای جوان و آشفته اقدام به فرار از دزد هاتسویو و آوردن او به توکیو کند. رسوایی فرار گیشایی با پسری از خانواده‌اش شناخته‌شده باعث شد بزرگ‌ترین برادر، که وارث خانواده بود، او را از خانواده طرد کند و هاتسویو را با خود به شهرستان برگرداند.

این آشفتگی سبب شد برای اولین بار اقدام به خودکشی کند که این بار خودکشی عاشقانه را آزمود. یار او در این خودکشی پیشخدمت نوزده ساله کافه‌ای بود. آن‌ها شبانه در کافه کرا به دریا پریدند، اما دازای نجات یافت. این وقایع سبب شد برادرش دابن هاتسویو را بپردازد تا او به توکیو بیاید و زندگی مشترکش را با دازای جوان شروع کند. این زمان، دازای فعالیت‌هایش را در حزب کمونیست برایش داده و خانه‌اش خانه تیمی هم حزبی‌ها شده بود. با این همه، وقتی در

۱. Ibuse Masuji (井伏鱒二) ۱۸۹۸-۱۹۹۳؛ کنزابورو اوئه، برنده نوبل ادبیات ۱۹۹۴، در یکی از سخنرانی‌هایش ایبوسه را بزرگ‌ترین نویسنده قرن بیستم ژاپن معرفی می‌کند و کتاب باران سیاه او را وصیتی برای نسل حاضر برمی‌شمرد.

2. "Sanshōu" (山椒魚)

۳. Kamakura (鎌倉)؛ منطقه‌ای با جاذبه‌های گردشگری در نزدیکی توکیو.

بیست و سه سالگی یک ماه توسط پلیس آئوموری بازداشت شد، برای همیشه فعالیت های سیاسی را کنار گذاشت.

سال ۱۹۳۳ برای نخستین بار از نام مستعار اوسامو دازای استفاده کرد. ۱۹۳۵ نتوانست از دانشگاه فارغ التحصیل شود، پس خانواده اش تهدید به قطع کمک هزینه تحصیلی اش کردند و از طرف دیگر در امتحان استخدامی روزنامه هم پذیرفته نشد، تا بار دیگر تعادل روحی و روانی اش به هم بریزد. این بار در کوه های کاماکورا خودش را حلق آویز کرد. باز هم نمرد، اما در نتیجه آن دچار بیماری پریتونیت و در بیمارستان بستری شد. در بیمارستان به او مخدر پابینال تزریق کردند که بعداً معده اش شد.

۱۳۵، نمونه های دلچسپ بازی^۱ را نوشت که شخصیت اصلی اش از آن زنی الهام گرفته شد که با او در کاماکورا به دریا پرید و مُرد. این داستان و داستان بازداشت^۲ او نامزد جایزه ادبی تازه بنیان آکوتاگاوا^۳ شدند، اما دازای این جایزه را نبرد. یاسوناری کاواباتا^۴ که جزو داوران جایزه بود درباره دازای گفته بود: «... به نظر من در زندگی نویسنده ابرهای شومی وجود دارد که استعاره او را مطیعانه به ایجاد نفرت و بیزاری وامی دارد.» این گفته دازای را بسیار برآشفته تا او در جواب بنویسد: «به نظر شما، آیا فقط داشتن زندگی شومی، پرورش پرندگان کوچک و دیدن رقص زندگی است؟... در نوشته شما اجتماع را احساس، و بوی تعلق به پول را استشمام کردم...»

1. *Dōke no hana* (道化の華)

2. *Gyakkō* (逆行)

۳. سال ۱۹۳۵ بنیان نهاده شد.

۴. *Kawabata Yasunari* (川端康成) (۱۸۹۹-۱۹۷۲): اولین نویسنده ژاپنی برنده نوبل

ادبیات (۱۹۶۹).

با تشدید اعتیادش به پابینال، سال ۱۹۳۶ در بیمارستان بستری شد، اما بدون اینکه موفق به کنارگذاشتن آن شود، بعد از ده روز مرخص شد. در ژوئن همان سال، آخرین سال‌های عمر^۱ را نوشت که نامزد جایزه آکوتاگاوا شد، اما نویسنده باز هم موفق به دریافت آن نشد. این شکست ضربه شدیدی برایش بود که اکنون، به خاطر اعتیاد شدید، حالتی نیمه‌مجنون داشت. اکتبر به سفارش ایبوسه در بیمارستان بستری شد، که هرچند به او گفته شد به خاطر اعتیاد است، اما در بیمارستان روانی بستری شد تا زخم عمیق دیگری بر جاننش وارد آید.

بعد از درمان کامل و ترک اعتیاد، از بیمارستان مرخص شد، اما زندگی سرسازش^۲ او نداشت. همین زمان هاتسویو اعتراف کرد زمان بستری شدن او با سردی^۳ دیگر بوده است. این مسئله باعث شد زن و شوهر برای مُردن به آبکُری در ناندگا^۴ بروند و با خوردن قرص آرام‌بخش، اقدام به خودکشی کنند. هیچ‌کدام نمرند، اما بعد از چند ماه برای همیشه از هم جدا شدند. پس از جدایی، دو داستان زوال بشری^۵ و پرچمدار قرن بیستم^۶ را نوشت. زوال بشری درباره بستری شدن در بیمارستان روانی است. داستان پیرین^۷ آغاز می‌شود: «دلمشغولی، تنها گل‌های مقابل پنجره. سیزدهم، هیچی. چهاردم، هیچی. پانزدهم، به همین روال هیچی. شانزدهم، هیچی. هفدهم، هیچی.» سال بعد با وساطت ایبوسه با میچیکو ایشیهارا^۸ آشنا شد

1. Bannen (晩年)

2. Tanigawa (谷川)

3. Human Lost

4. Nijū seiki kishu (二十世紀旗手)

5. Ishihara Michiko (石原美知子) (1912-1997)

و در نهایت ازدواج کردند. میچیکوی معلم سال‌های آخر عمر دازای را خوانده و ستوده بود. آن‌ها به تاما و توکیو نقل مکان کردند و تا آخر عمر آنجا بودند. به نظر می‌رسید ثبات به زندگی دازای برگشته است. سفارش کار به او زیاد شد. داستان دختران دانش‌آموز^۱ را نوشت و کتاب درباره عشق و زیبایی^۲ را منتشر کرد. دختران دانش‌آموز جایزه ادبی کیتامورا توکوکو^۳ را برایش به ارمغان آورد.

از اواسط دهه ۱۹۳۰، روحیه ملی‌گرایی و نظامی‌گری به نحو جدی‌تری بر کشور مسلط شد و با یورش ژاپن به سرزمین چین (۱۹۳۷) و جنگ اقیانوس آرام (۱۹۴۱) حاکمیت دیکتاتوری نظامی با به سرج خود رسید. متعاقب آن، دنیای هنر و ادبیات هم با تشدید استبداد خنثیلی زود از پای درآمد. در هنگامه جنگ و درست زمانی که بسیاری از نویسندگان راه گریز از واقعیات را در توصیف مسائل روزمره و تصویر کردن صحنه‌های کوچک زندگی مردم معمولی و روستاییان می‌دیدند، دازای همراه با معدودی دیگر از نویسندگان همچنان به خلق آثار با ارزش ادبی ادامه دادند و به اصطلاح نگذاشتند آتش ادبیات ژاپنی خاموش شود. آن‌ها که به علت عفونت در سینه از خدمت معاف شده بود همچنان در شرایط بد چاپ و نشر، می‌نوشت. ۱۹۴۱، دو داستان هشت چشم‌انداز توکیو^۴ و سبیل جدید^۵ را منتشر کرد.

در ۱۹۴۲، مادرش درگذشت. به زادگاه‌اش برگشت و یک ماه ماند

1. *Josēto* (女生徒)

2. *Ai to bi nit suite* (愛と美について)

۳. Kitamura Tōkoku (北村透谷) (۱۸۶۸-۱۸۹۴): شاعر و منتقد.

4. *Tōkyō Hakkē* (東京八景)

5. *Shin Hamuretto* (新ハムレット)

که حاصل آن تسوگارو بود. با شروع بمباران توکیو، خانه‌اش بمباران شد و به کلی از بین رفت. به کوفو^۱ رفت و آنجا بار دیگر با ایبوسه ملاقات کرد که به تازگی از خدمت ارتش رهایی یافته بود. با ادامه بمباران کوفو، خانه‌اش هم با خاک یکسان شد و بار دیگر به زادگاه‌اش برگشت. سرانجام با بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی جنگ به پایان رسید و ژاپن برای اولین بار در طول تاریخ خود شاهد اشغال توسط بیگانگان شد. اداکشی دست امریکایی‌ها افتاد، تغییرات شروع شد و زوال و دگرگونی در خاندانی آغاز شد که قبل از اشغال، قدرت و جایگاهی داشتند. اداساکی، ایبوسه و حرکت‌های انقلابی این دوره خاندان تسوشیما را هم در نظر نگذاشت. دازای، که هنگام اشغال در شهرستان شاهد زوال خاندانش بود، در نامه‌ای به ایبوسه نوشت: «خانه پدری‌ام در کاناکئی اکنون باغ گیلان است. روزمرگی عجیب دلتنگ‌کننده‌ای است.»

منظور از «باغ گیلان» اثر معجب آنتون چخوف نویسنده روس بود. دازای بعدها با توجه به این وقایع مهم‌ترین اثرش خورشید روبه زوال^۲ را نوشت که برخی منتقدان آن را نسخه ژاپنی باغ گیلان (آلبالو) چخوف می‌دانند. در نوشتن این رمان، در خاندان زندگی شیزوکا اوتا^۳ هم استفاده کرد، زنی که در دوران دانشجویی شیفته دازای شد، به ملاقات او آمد و بعدها از او بچه دار شد.^۴ با پایان جنگ به توکیو برگشت. این زمان شهرتش به قدری زیاد

۱. Kōfu (甲府): شهری در شهرستان یاماناشی.

2. Shayō (斜陽)

3. Ōta Shizuko (太田 静子) (1913-1982)

۴. فرزند این دو با نام اوتا هاروکو (太田 治子) (Ōta Haruko)، بعداً نویسنده شناخته شده‌ای در ژاپن شد و در حال حاضر هم فعالیت می‌کند.

شده بود که هر روز روزنامه‌نگاران، ناشران و علاقه‌مندان به نوشته‌هایش به دیدنش می‌آمدند. بنابراین دفتر کاری اجاره کرد و کسانی را که به ملاقاتش می‌آمدند در این دفتر می‌دید. اینجا بود که با آرایشگر بیست و هفت ساله‌ای به نام تومی‌ئه^۱ آشنا شد. در این زمان که درد ناشی از بیماری در دازای به اوج رسیده بود و پیایی می‌نوشتید، تومی‌ئه پرستار و محرم راز او شد، به طوری که حتی دفتر کارش را هم به آپارتمان تومی‌ئه منتقل کرد.

۱۹۰۷، ساتوکو^۲، دومین دخترش، به دنیا آمد. او بعدها نویسندهٔ جمهوری شد و آثارش به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، چینی و عربی ترجمه شدند. آن‌طور که خودش گفته است، ساتوکو بلوغ آثار پدرش را مطالعه نمی‌کرد، اما در ۱۹۶۷ و هنگام برگزاری جشن بیست سالگی (جشن بلوغ) و در دیدار از پنج دریاچه پای کوه فوجی، رنگ‌نوشتهٔ شعری از او را خواند: «در فوجی، خرعلف‌ها همه شبیه‌اند». پدرش از آن شروع کرد به مطالعهٔ آثار پدرش، هرچند همیشه تأکید می‌کرد علاقه‌ای به آن‌ها ندارد.

در آغاز سال ۱۹۴۸، دازای بیمار خون‌استفراغ کرد. این زمان نویسندهٔ معروف نائویا شیگ^۳، که تسلط مطلق در عرصهٔ ادبیات داشت، نقدهایی دربارهٔ نویسندگان جوان و از جمله دازای نوشت که خیلی‌ها انتقادات او را به معنای مرگ دانستند. با این‌همه، او ماند و زوال بشری را نوشت. از ۸ مارس ۱۹۴۸ نوشتن زوال بشری را شروع کرد و ماه مه به پایش رساند. زوال بشری تأثیرگذارترین

1. Yamazaki Tomie (山崎 富榮) (1919-1948)

۲. Tsushima Yūko (津島佑子) (۱۹۴۷-۲۰۱۶)؛ نام اصلی او تسوشیما ساتوکو است.

۳. Shiga Naoya (志賀直哉) (۱۸۸۳-۱۹۷۱)؛ معروف‌ترین اثر او گذرگاهی در شب سیاه است.

کتاب دازای است. در نظرسنجی ای که بین دانشجویان دانشگاه‌های ژاپن انجام شد، زوال بشری جزو نه کتاب تأثیرگذار بر زندگی آن‌ها انتخاب شد.

بعد از نگارش زوال بشری، سفارش نوشتن داستان گودبای^۱ را پذیرفت. در این زمان دفتر کارش آپارتمان تومی‌ئه بود. نیمه شب ۱۳ ژوئن، دازای و تومی‌ئه محراب کوچک بودایی آپارتمان تومی‌ئه را با عکس از در نفرشان تزئین کردند. روی میز، دست‌نوشته گودبای، اسباب‌بازی‌هایی برای کودکان و چند نوشته به‌عنوان خداحافظی به جای گذاشته بودند. در میان بارندگی شدید از خانه خارج شدند. دستشان را به میز گذاشتند و به رودخانه تاما پریدند که در فصل بارندگی طغیان کرده بود.

جست‌وجو در رودخانه پیدا شدن کفش‌های آن‌ها کنار رود شروع شد. در میان بارانی که به وقفه می‌بارید، کار جست‌وجوی جسد آن‌ها یک هفته طول کشید. سرانجام در سپیده‌دم ۱۹ ژوئن، جسد آن‌ها در فاصله دو کیلومتری از محل پیدا شد که به آب پریده بودند. آن روز به نحو عجیبی برابر با چهل‌مین سالروز تولد دازای بود. جنازه دازای به‌عنوان نویسنده‌ای مشهور در تابوتی عال حمل شد، اما جنازه تومی‌ئه بیش از نصف روز روی زمین ماند. بعد از مرگ، نام بودایی بونسای اینتای یوچی تسوکوجی^۲ را بر او نهادند و آن عورکه خودش قبل از مرگ خواسته بود، خاکستر جسدش را در آرامگاهی در معبد بودایی زن رینجی^۳ قرار دادند.

1. Good-Bye (グッド・バイ)

۲. معمولاً مراسم مربوط به فوت ژاپنی‌ها طبق آیین بودایی انجام می‌شود. قبل از سوزاندن جسد برای آن‌ها نامی بودایی انتخاب می‌کنند.

۳. Zenrinji (禅林寺): معبدی بودایی در شهرک تامای توکیو. علاوه بر قبر دازای، قبر موری

زوال بشری، گودبای و گیلان^۱ بعد از مرگش به چاپ رسیدند. سالروز مرگش را اوتوکی^۲ نام نهادند. این نام از داستان کوتاه گیلان او گرفته شده است که از بهترین داستان کوتاه های ژاپنی به شمار می آید. هر ساله در ۱۹ ژوئن، دوستداران او از سراسر ژاپن در معبد زورینجی گرد هم می آیند تا یادش را گرامی بدارند.

دازای نویسنده بسیار صادقی بود که تمام آنچه را درونش احساس می کرد بی کم و کاست با خواننده در میان می گذاشت. با این همه، بعد از اتمام هر اثری، رنج می برد از این احساس که خوانندگان را نریب داده است. بارها و بارها به خاطر فریب دادن خوانندگان از آن ها معذرت خواهی کرده بود. در حقیقت، نوشتن برایش زجرآور شده بود. در نامه ای به برای همسرش به جا گذاشت، نوشت: «میچی عزیز! بیش از هر کس به تو عشق ورزیدم. لطفاً فراموشم کن. اگر مدت زیادی می ماندم، همه را زجر می دادم که این خود زجر دیگر بود... اگر می میرم، نه به خاطر نفرت از تو، که به خاطر نفرت از داستان نویسی است...»

دازای و رباعیات

یکی از آخرین کتاب هایی که روی میز تحریر دازای به جای ماند رباعیات (ترجمه رباعیات ختام) بود. این ها آخرین کتاب هایی بود که دازای قبل از پریدن به رودخانه تاما آن ها را مطالعه می کرد. پیشتر هم او در زوال بشری - تأثیرگذارترین کتاب خود - ترجمه دوازده رباعی

اوگای (Mori Ōgai) (۱۸۶۲-۱۹۲۲) هم در این معبد واقع است.

1. Ōtō (桜桃)

2. Ōtōki (桜桃忌)

خیام را نقل کرده بود.

مشهورترین چهره ادبیات ایران در ژاپن خیام است و در میان آثار فارسی ترجمه شده به ژاپنی رباعیات پُرفروش‌ترین کتاب است. ترجمه مستقیم ریوساکو اوگاوا^۱ از رباعیات، از ۱۹۴۸ که اولین چاپ آن درآمد تا پایان سال ۲۰۰۴، شصت و سه بار تجدید چاپ شده است. در همه‌پرسی‌ای که بین خوانندگان کتاب‌های انتشارات ایوانامی انجام گرفت، رباعیات جزو کتاب‌های برتر چاپ شده در این انتشارات انتخاب شد. اولین بار رباعیات خیام در ۱۹۰۸ به قلم شاعری به نام آریاکه کانبارا^۲ به ژاپنی ترجمه شد. کانبارا شش رباعی از ترجمه ادوارد فیتزجرالد^۳ را انتخاب و به ژاپنی ترجمه و در کتاب مجموعه اشعار خود چاپ کرد. ترجمه کانبارا بسیار شاعرانه و زیبا بود، به طوری که سی و چهار سال بعد ریو موری^۴ تحت تأثیر این ترجمه به ترجمه هفتاد و پنج رباعی از چاپ اول فیتزجرالد اقدام کرد که از بهترین ترجمه‌های رباعیات به ژاپنی شناخته می‌شود. معانی اشعار ترجمه شده به افکار خیام نزدیک و شکل نوشتاری هم به شکل نوشتن رباعیات نزدیک بود.

نخستین کسی که اقدام به ترجمه مجموعه کامل رباعیات به ژاپنی کرد هیکوزو کاکیسه^۵ نام داشت. او هنگام اقامت در امریکا صدوده رباعی را از چاپ پنجم ترجمه فیتزجرالد انتخاب کرد، و ژاپنی

1. Ryōsaku Ogawa (小川亮作)

۲. Iwanami Shoten (岩波書店): از ناشران مشهور ژاپن.

3. Kanbara Ariake (蒲原有明) (1875-1952)

4. Edward Fitzgerald (1809-1883)

5. Mori Ryō (森亮)

6. Kakise Hikozō (蛸瀬彦藏)

برگرداند و در ۱۹۱۰ آن را با تیراژ صد جلد به چاپ رساند. بعد از این سه نفر، بیش از بیست ترجمه دیگر هم از رباعیات منتشر شد. این ترجمه‌ها شامل ترجمه قسمتی از رباعیات، ترجمه از زبان‌هایی غیر از فارسی و نیز ترجمه از زبان اصلی است.

اولین ترجمه به صورت نثر از رباعیات هم در ۱۹۱۵ منتشر شد. این ترجمه به قلم شخصی به نام بونکیچی کاتانو^۱ و بر مبنای نثر انگلیسی مترجمی به نام جاستین مک‌کارتی^۲ بود. این ترجمه بعد از برگ ترجمه آن به همت دانشگاه توکیو چاپ شد و در ۱۹۳۷ به چاپ دوم رسید.

وزن در شعر ژاپنی براساس هجاست. توالی پنج هجا و هفت هجا تشکیل می‌دهند. وزن شعر ژاپنی است. سوفو تا که تومو^۳ نخستین کسی بود که ترجمه رباعیات را براساس هجاهای پنج‌تایی و هفت‌تایی انجام داد. او ترجمه‌ها را که شامل صدوده رباعی بود بر مبنای چاپ دوم کتاب فیتزجرالد^۴ انجام داد و آن را به شکل قالب‌های شعری "۷.۵.۵-۵.۷-۷.۵.۷-۵.۷.۵" در زبان ژاپنی ارائه کرد. در ۱۹۲۲ این ترجمه به صورت مستقل و در ۱۹۴۹ در قالب کتاب مجموعه ادبیات جهان به چاپ رسید.

شیگه‌رو آراکی^۴ نخستین مترجمی است که رباعیات را بی واسطه از زبان فارسی به ژاپنی ترجمه کرد. او در کتابی به نام عمر ختام و رباعیات حدود صد و پنجاه و هشت رباعی را از فارسی ترجمه و در ۱۹۲۱ چاپ کرد. چون بی واسطه از فارسی ترجمه کرده بود، ترجمه‌اش

1. Katano Bunkichi (片野文吉)

2. Justin Huntly McCarthy (1859-1936)

3. Taketomo Sōfū (竹友藻風) (1891-1954)

4. Araki Shigeru (荒木茂) (1949-2012)

به اصل معانی شعر نزدیک، اما در انتقال زیبایی‌های رباعی ناموفق بود.

شین چین شون^۱، که به خاطر نوشتن داستان‌های تاریخی و عرفانی مشهور است، در جوانی و در دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا زبان فارسی را فرا گرفت. خانواده‌اش دارای اصالت تایوانی بودند. هنگامی که تایوان جزو قلمرو ژاپن بود، تابعیت ژاپنی داشت، اما با شکست ژاپن در جنگ او هم تابعیت ژاپنی خود را از دست داد. او که به گفته خود در تمام جنگ جهانی دوم و در میان شعله‌های آتش همیشه دست‌نویس رباعیات همراه داشت از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه دانشگاه تسنجد و کتابخانه لاهور، صد و پنجاه و هشت رباعی را انتخاب و به ژاپنی ترجمه کرد. این ترجمه علاوه بر ژاپن در تایوان هم منتشر شد.

علاوه بر این دو مورد، چند نفر دیگر هم رباعیات را از فارسی به ژاپنی ترجمه کرده‌اند که در این میان بی‌شک بهترین ترجمه متعلق به ریوساکو اوگاواست. این کتاب با نام رباعیات و در انتشارات ایوانامی (۱۹۴۸) به چاپ رسید. مترجم کتاب در ۷۹ و بر مبنای تحقیقات جدید درباره زندگی و نیز رباعیات ختام کتاب را بررسی و تصحیح کرد. صد و چهل و سه رباعی در این مجموعه ترجمه و گردآوری شده که دقیقاً همان رباعی‌هایی است که صادق هدایت در کتاب تمام‌سای ختام آورده است.

اوگاوا در مقدمه کتاب نوشته است ابتدا زبانی ادبی برای ترجمه انتخاب کرده بود، اما به پیشنهاد هاروتو ساتو آن را به زبانی عامیانه

1. Chin Shunshin (陳舜臣) (1924-2015)

2. Satō Haruo (佐藤春夫) (1892-1964)

تغییر داد. هاروئو ساتو از دوستان نزدیک دازای و به عبارتی یکی از شاعران تأثیرگذار بر دازای بود. اینکه نویسنده بزرگی مثل دازای ترجمه دوازده رباعی از خیتام را در تأثیرگذارترین کتاب خود نقل کرده نشانی دیگر از تأثیر خیتام بر ژاپنی‌هاست. هرچند نمی‌شود نقش این نقل‌قول را در شناخت ژاپنی‌ها از رباعیات هم نادیده گرفت. نقل‌قول دازای از کتابی به نام رباعیات ترجمه ریوهو هوری‌ای^۱ صورت گرفته است. هوری‌ای شاعری متولد شهرستان آکیتا^۲ — یکی از پنج شهرستان منطقه توهوکو — است که از او به عنوان سخنگوی روستاییان کشاورزان نام می‌برند. بیشتر اشعار او و ترجمه‌ای که از رباعیات به دست داده‌ای عامیانه دارند. او با مبنا قراردادن چاپ اول و چهارم ترجمه فیترجانه، صدویک رباعی را ترجمه و با هزینه خود در دویست نسخه به چاپ رساند. خیلی زود ترجمه او به چاپ دوم رسید.

اوگاو اعتقاد دارد ژاپنی‌های ترجمه‌شده به قلم هوری‌ای معانی بسیار عجیب و غریبی پیدا کردند و در آن‌ها نفرت و انزجاری وجود دارد که زیادی خودخواهان است، در صورتی که در اشعار خیتام این اندازه نفرت خودخواهانه وجود ندارد. نمونه زیر از ترجمه هوری‌ای است:

آن را که نمی‌نوشت دوست نمی‌دارم
 زیر یک سقف، با او نمی‌خوابم
 و بر یک کشتی، با او سوار نمی‌شوم
 چرا که از لعن و نفرین پس از آن می‌ترسم.

1. Horii ryōho (堀井梁歩) (1887-1938)

2. Akita ken (秋田県)

هنگام ترجمه زوال بشری، کوشیده‌ام اصل فارسی رباعیات را بیاورم، اما می‌شود گفت تشخیص اینکه فلان شعر دقیقاً ترجمه کدام یک از رباعیات خیام است نزدیک به محال بود. بنابراین رباعیات نقل شده در زوال بشری را مجدداً به فارسی ترجمه کردم. این کار حسنی هم دارد و آن اینکه بهتر می‌توان فهمید دازای چه برداشتی از رباعیات داشته است. با این حال، نگاهی هم به ترجمه انگلیسی زوال بشری به قلم داندل کین^۱، انداخته شد. کین سه رباعی از ترجمه ادوارد فیتز جردین^۲ آورده که با مقابله آن، اصل رباعی را براساس تصحیح محمدعلی فاضل در پانوشت آورده‌ایم تا خواننده بخشی از اصل رباعیات را در نظر داشته باشد.

در پایان لازم به ذکر است که تمام پانوشت‌ها از آن مترجم است.

قدرت‌الله ذاکری

تهران، اسفند ۱۳۹۷

1. Dazai Osamu, *No Longer Human*, Trans. by Donald Keen, New Directions, 1958, pp. 128-129.

2. Donald Keene (۱۹۲۲-۲۰۱۹): پژوهشگر و مترجم امریکایی-ژاپنی.